View the original article

پاراگراف اول

پاراگراف اول؛ اسرائیل از جنگ با ایران چه می‌خواهد و این تقابل به کجا می‌رسد؟

محمد ضرغامی

۲۲/آبان/۱۴۰۵



تحولات سیاسی و نظامی اسرائیل در جنگ علیه ایران در انتخابات اخیر این کشور یک مسئله را به پرسشی اساسی تبدیل کرد؛ دستاوردهای نظامی تا چه اندازه می‌توانند به اهداف سیاسی و امنیتی پایدار منجر شوند.

مقابله با جمهوری اسلامی همچنان یکی از محورهای اصلی سیاست اسرائیل است، اما دربارهٔ شیوه دستیابی به این هدف اختلاف‌نظرهایی در اسرائیل وجود دارد که ضرورت همراه کردن عملیات نظامی با راهکارهای دیپلماتیک و سیاسی را بیش از گذشته پررنگ کرده است. اسرائیل با میراث سیاسی و امنیتی بنیامین نتانیاهو چه خواهد کرد و آیندهٔ جنگ احتمالی با ایران به کجا خواهد کشید.

در برنامهٔ رادیویی «پاراگراف اول»، تامار گیندین، پژوهشگر مرکز عزری برای مطالعات ایران و خلیج فارس در دانشگاه حیفا، و منشه امیر، روزنامه‌نگار از بیت‌المقدس، به این موضوع پرداخته‌اند.



بازکردن در پنجره جدید

لینک مستقیم

دستاوردهای نظامی بدون افق سیاسی؟

تامار گیندین تأکید می‌کند که نباید اسرائیل را با دولت بنیامین نتانیاهو یکی دانست؛ یک دولت راست‌گرای افراطی که با تکیه بر چهره‌هایی مانند ایتامار بن‌گویر، وزیر امنیت ملی، اساساً فضای چندانی برای دیپلماسی باقی نگذاشته بود.

به گفتهٔ او، نتانیاهو پیش از حملهٔ هفتم اکتبر حماس تصور می‌کرد که می‌تواند با انتقال پول و ایجاد آرامش اقتصادی، وضعیت غزه را کنترل کند؛ سیاستی که با انتقال میلیاردها دلار پول قطر به حماس و انحلال واحد مسئول پیگیری این پول‌ها در موساد همراه بود.

از نظر خانم گیندین، غافلگیری اسرائیل در هفتم اکتبر و ناتوانی دولت در مدیریت روزهای نخست پس از حمله، نشانهٔ ضعف جدی حکومت بود؛ به‌طوری‌که شهروندان و نیروهای داوطلب ناچار شدند بخش مهمی از امور را بر عهده بگیرند.

او معتقد است که اسرائیل فرصت داشت با نشان دادن چهره‌ای متفاوت، جایگاه خود را در افکار عمومی جهان تقویت کند، اما نتیجه معکوس شد و اعتراض‌های ضداسرائیلی گسترش یافت؛ حتی دونالد ترامپ (رئیس‌جمهور آمریکا) نیز در مقاطعی اسرائیل را مسئول پیامدهای جنگ دانست.

به اعتقاد خانم گیندین، دولت جدید برای ترمیم این تصویر باید روابط با کشورهای عربی را تقویت کند و به پیمان‌های ابراهیم بازگردد.

او تأکید می‌کند که اسرائیل نمی‌تواند برای همیشه در وضعیت جنگی بماند و باید با همسایگان مذاکره کند و به توافق برسد.

در مقابل، منشه امیر معتقد است میان دو جناح اصلی اسرائیل دربارهٔ ضرورت مقابله با جمهوری اسلامی اختلاف اساسی وجود ندارد و تفاوت‌ها بیشتر در راهکارهاست.

به گفتهٔ او، گادی آیزنکوت رهبر بلوک سیاسی «تغییر» در اسرائیل و گروهش بر ضرورت همراهی عملیات نظامی با اقدام‌های سیاسی و دیپلماتیک تأکید دارند، زیرا جنگ به‌تنهایی مشکلی را حل نمی‌کند.

دیپلماسی با ایران؛ ناممکن یا کنار گذاشته‌شده؟

منشه امیر با تأکید بر ماهیت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی، تلاش‌های آمریکا برای توافق در دورهٔ ترامپ را «بی‌نتیجه» و دستیابی به توافق را «ناممکن» دانست.

وقتی به او یادآور شدم که ایران دو بار در میانهٔ مذاکرات هدف حمله قرار گرفت، آقای امیر با اشاره به شروط تهران برای توافق و تأکید بر آنچه خواست تهران برای رفع تحریم‌ها و توقف نظارت هسته‌ای نامید، مذاکره با جمهوری اسلامی را «فاقد چشم‌انداز» دانست.

او مدعی شد که «ایران عملاً از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج شده»؛ این درحالی است که اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه ایران ۱۲ مهرماه اعلام کرد که ایران همچنان عضو این پیمان است.

آقای امیر همچنین ضمن تأیید این موضوع که روسیه نمی‌خواهد ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند، حضور مسکو را فاقد اقدام مؤثر دانست و دیپلماسی محرمانهٔ اسرائیل با کشورهای عربی را «مداوم و ممکن» توصیف کرد.

اسرائیل و شاهزاده رضا پهلوی

تامار گیندین دربارهٔ نسبت میان اپوزیسیون ایران و سیاست خارجی اسرائیل که خود را در دعوت از شاهزاده رضا پهلوی و حمایت از او نشان می‌دهد، می‌گوید دعوت از شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل اقدامی درست بود، اما مناسب‌تر بود رئیس‌جمهور اسرائیل به جای وزیر اطلاعات میزبان او باشد؛ اقدامی که می‌توانست نشان دهد اسرائیل برای جایگاه سیاسی او اهمیت قائل است.

خانم گیندین در برابر انتقادهایی که منتقدان شاهزاده رضا پهلوی در نزدیکی او به اسرائیل و حمایتش از اقدام نظامی علیه ایران مطرح می‌کنند، معتقد است باید همکاری و کمک بیشتری صورت گیرد اما نباید این کمک به نفوذ یا دخالت در تصمیم‌گیری‌های مردم ایران تبدیل شود.

منشه امیر نیز در پاسخ به این پرسش مدعی شد که دعوت از شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل دعوتی خصوصی بوده و نمی‌توان آن را به معنای حمایت رسمی اسرائیل از این چهرهٔ اپوزیسیون خارج ازایران تلقی کرد.

این ادعا در حالی است که بر اساس اخبار منتشر شده در رسانه‌های اسرائیل، ولیعهد سابق ایران به عنوان مهمان رسمی به این کشور سفر کرده بود.

حمله به زیرساخت‌های ایران

منشه امیر دربارهٔ این‌که آیا حملهٔ نظامی به ایران، حمایت از آن و هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی کشور می‌تواند همراهی شهروندان ایرانی داخل را به دنبال داشته باشد، ضمن رد حملهٔ اسرائیل به زیرساخت‌ها، حمله به انبار سوخت شهران یا مجتمع پتروشیمی شیراز را به‌دلیل «کاربرد نظامی» اهدافی «مشروع» عنوان کرده و می‌گوید، اسرائیل هرگاه قصد حمله به مکانی را داشته، به مردم ایران هشدار داده است تا سه ساعت پیش از حمله، آن محل را ترک کنند.

به گفته آقای امیر، هدف اسرائیل از جنگ هموار کردن راه برای خیزش مردم ایران بوده است.

تامار گیندین نیز با تأکید بر ضرورت تفکیک زیرساخت‌های نظامی از غیرنظامی، معتقد است، زیرساخت‌های اقتصادی و خدماتی ایران باید تا حد امکان حفظ شوند تا کشور آزاد آینده بتواند از آن‌ها بهره ببرد.

اسرائیل و تجزیه ایران

تامار گیندین می‌گوید در اسرائیل صداهایی، به‌ویژه در میان برخی پژوهشگران و افراد راست‌گرا، از تجزیه ایران حمایت می‌کنند و معتقدند باید از سازمان‌های تجزیه‌طلب استفاده کرد.

او ضمن مخالفت با مطرح شدن چنین ایده‌هایی می‌گوید، اگر اسرائیل در تجزیه ایران یا حتی تلاش برای آن نقشی داشته باشد، بهترین متحد احتمالی خود در منطقه را از دست خواهد داد؛ زیرا تجزیه ایران خواست مردم این کشور نیست.

منشه امیر هم تجزیهٔ ایران را تهدیدی علیه منافع ملی اسرائیل می‌داند و می‌گوید، پیشنهاد مطرح شده برخی افرادی برای مسلح کردن کردهای مخالف جمهوری اسلامی توسط آمریکا و اسرائیل لزوماً به معنای اعطای استقلال به کردها نبود؛ بلکه بحث بر سر مسلح کردن کردها، بلوچ‌ها و دیگر گروه‌هایی بود که تجربهٔ استفاده از سلاح گرم دارند تا در برابر حکومت ایران وارد میدان شوند.

اسرائیل و راه‌کُنش آینده جنگ با ایران

تامار گیندین در پاسخ به این پرسش که آیا میراث بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر، در حوزهٔ امنیت، سیاست خارجی و نظامی ادامه پیدا خواهد کرد یا اسرائیل با تغییر رویکردی اساسی روبه‌رو می‌شود، می‌گوید مسئله اصلی این نیست که جنگ دوباره رخ خواهد داد یا نه، بلکه این است که چه زمانی رخ می‌دهد.

خانم گیندین مقابله با جمهوری اسلامی را برای اسرائیل «حیاتی» دانسته، اما ابراز امیدواری می‌کند که راهبردهای آقای آیزنکوت، با تکیه بر عملیات سایبری و نفوذ امنیتی، امکان دستیابی به نتایج با خشونت و خسارت کمتر را فراهم کند؛ هرچند ادامهٔ حملات هوایی و موشکی به ایران همچنان محتمل است.

منشه امیر نیز معتقد است که با وجود تجربهٔ نظامی گادی آیزنکوت، هدف اصلی احزاب اسرائیل همچنان مقابله با جمهوری اسلامی و پایان دادن به حکومت آن است و اختلاف احزاب نه بر سر هدف، بلکه بر سر شیوه دستیابی به آن است.

این مطلب بخشی از:

ایران | بایگانی | فراتر از خبر | پاراگراف اول

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وب‌سایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.